

شود و به نصر السلطنه هم اطلاع میدهم شاید خودش قبول کند .

آقای میرزا محمود - چون این شخص محض خدمت دولت حاضر شد که این مقدار بدهد و بعدها باید اسباب تشویق در بین باشد باین مقدار حق او است اگر سربدار بخواد باید چیزی اضافه کند . (مجلس ختم شد)

مذاکرات روز یکشنبه ۲۷

شعبان دارالشورای ملی

خلاصه مذاکرات روزشنبه ۲۶ را آقای حاجی سید نصرالله قرائت کردند .

رئیس - این عریضه صاحبان اسرای فوجان است و در این باب يك جواب صریح میخواهند عریضه قرائت شد قریب باین مضمون: بشفرف مرض انجمن مرکزی میرساند مدت دو سال است دعاگویان کبخدا علی و یوسف صاحبان اسرای فوجان بجهت شصت و دو نفر اسیر و اموال منتهو بمعطل ماندیم و ثابت نمودیم چندی در صدر برآمدند و حالا گویا فراموش شده و حالا بعضی در صدر استخلاص سالار مقدم برآمده اند که حقوق ماضیای خود هر گاه چنین باشد مایوس شده ناچاریم ببلاد خارجه روآدریم چون تشکیل انجمنها برای احقاق حقوق مظلومین است آنها را بحق خدا قسم می دهیم که راضی نشوند مشارالیه رها بشود و پساجازات نرسد که استر داد حقوق و اسرا نخواهد شد .

آقا میرزا ابوالحسن خان - این عریضه بانجمن نوشته شده نه بمجلس گفتند فعلا انجمن جواب میخواهد .

آقا میرزا محمود - چند روز قبل در این باب مذاکره شد و قرار شد از طرف مجلس بوزارت داخله نوشته شود که تا آخر ماه رمضان اسرا را مسترد نمایند حالا از مجلس اقدام شده یا خیر اگر شده که باید آنها صبر نمایند تا آن موعد برسد .

رئیس - هنوز از طرف مجلس اقدام نشده علت تاخیر آن است که این حرفها در سابق هم خیلی مذاکره شده و اینکه تاکنون ترتیبی پیدا نکرده از این جهت است که باید پلویلی اوبدهد باشخاصی که می توانند اسرا را استرداد نمایند چون بدیم این مطلب فراهم نبود و مجلس هم بطور حتم حکم نکرده بود اقدامی نشد .

آقا میرزا محمود - آنروز گفته شد که اگر پول لازم است باید بدهد .

رئیس - چند وقت است که او مجبوس است سه روز مهلت خواست که او را خلاص کنند نشد و در این مدت هم هیچ اقدامی نشده که فایده داشته باشد باید کاری کرد که اسرا استرداد شود .

آقای سید حسین - در این باب بعد از تعقیقات از عدلیه که حکم صادر شد یکی استرداد اسرا یکی سلب از شوائب خوب است اجرای این دو حکم را اما از عدلیه نخواهیم .

رئیس - اگر عدلیه حکم داده باید تمام آن را مجری ساخت و الا اگر بعضی مجری نشود صحیح نیست .

حاج امین الضرب - آنها استیناف خواستند **رئیس** - آیا مجلس قبول کرد ؟

در مجلس بود ملت او را ابوالله میگفتند پس از آن از مجلس استعفاء داد بعضی گفتند او متصدی دارد قدری از آن رتبه کاسته شد تا اینکه باین رتبه رسید دیگر بیشتر سلب اطمینان ملت شد حالا این معاذ که فایده ندارد ولی چون قانون است خوبست معاذ کم شود **رئیس** - ایشان اولاً تنهائار من شور کردند گفتیم که در وزارت خارجه بجای رسیده است که بین رتبی و مرتبوس خلاف واقع شده است خوبست شما استعفاء بدهید و بوزارت دیگر انتخاب شوید گفت من استعفاء نمی دهم اما باین هیچ اسلام هم خیلی کوشش کردند که رفع این عارضه بشود درحضور هم یونی هم مدال داشم که بهتر است استعفاء بدهد و نداد چون کار مهم بود اعلیحضرت همایونی هم رفم فرمودند که استعفاءی تو را قبول کردیم .

حاج امین الضرب - این فرمایشات فرمودید صبیح است ولی حرف در این بود که حق معاذ که دارد باخیر ؟

رئیس - معاذ که در چه مطلبی اگر در این باشد که او استعفاء داده یا عزل شده معلوم است که شاء او را عزل کردند اگر معاذ که در اختلاف اخراست آن مطلب دیگر است .

حاج امین الضرب - او معاذ که خواست با خیر اگر خودار نتواسته است فایده ندارد .

حاج امام جمعه - باید گفت که بعد از آن اجزاء وزارتخانه نباید این طور رفتار کنند اگر نمیخواهند کار کنند استعفاء بدهند نه اینکه تمطیل بکنند .

آقای سید مهدی - ما قسم خوردیم که اینجا در حفظ حقوق ملت گفتگو شود این بیچاره معاذ که ابواب حقونه اول ماه رمضان است باید روزه بگیرند لزمه کاری مقدمتر این است که فکری به حال آنها بشود .

رئیس - من خودم این مذاکره را امروز خواستم عنوان بکنم همانطور که قانون اساسی را شب و روز نشستم و تمام کردم همین طور عمل مایه را شب و روز خواهیم نشست و عمل نان و حقوق و بانک ملی را همین چندروزه تمام خواهیم کرد .

محقق الدوله - آقای حاج امام جمعه فرمودند که اجزای وزارتخانه نباید تمطیل کنند بنده عرض میکنم که سعد الدوله را نباید در هیچ وزارتخانه دخالت داد که اینطور اجزا شکایت کنند این اجزائی را که او آورده در وزارت امور خارجه هیچیک داخل در این کار نبوده اند جز بسمیرزا سعیدخان وزیر که آنروز منزل شما باجبار حاضر شدند .

رئیس - مطلب دیگری است خاطرهام سبق است که چندی قبل شصت هزار تومان علاوه از آنچه نصر السلطنه میدهد برای تلگرافخانه بکنفر پیدا شد که مبداء حالا يك نفر پیدا شده است اگر چه بنا بود اسمش برده نشود ولی میگویم که مستان الملك نود هزار تومان اضافه می دهد بانک شاهنشاهی را ضامن میدهد لایحه هم در این باب نوشته اند (قرائت شد) باین مضمون که نود هزار تومان اضافه میدهم و بانک شاهنشاهی را هم ضامن میدهم هرگاه خود سربدار قبول میکند با او باشد

آقای سید علیقلی - مجلس و وکلا باید طالب نفع ملت باشند این شخص که ضامن هم اضافه میدهد خیلی خوب است .

رئیس - در باب تلگرافخانه باید قراری داده

آقای شیخ یوسف - بنده شنبه خود را استعفا داده است .

رئیس - حالا هر چه مجلس رای میدهد همانطور رفتار شود .

آقای سید حسن قلی زاده - مجلس هیچوقت دسته بندی نیشناسد مجلس يك قانونی دارد که باید با آنطور رفتار نماید بر فرض يك دسته از بی فرضها باشند و خود آن مرد هم گفت که من استعفاء نمیدهم یا باید مجلس رای بدهد یا باید معاذ که شود پس باید معاذ بشود .

رئیس - دو مسئله است یکی اختلاف اجزاء یکی عزل وزیر .

وکیل التجار - اما اختلاف بین اجزای وزارت خارجه چیست که اهمیت نباید گذاشت و در باب عزل وزیر خارجه هم نمیشود بیول اجزاء قبول کرد خود سعد الدوله گفت که من استعفاء نمیدهم و معاذ اطلاع ندارم باید تحقیق کرد اگر رسماً استعفاء داده که هیچ و اگر هم خودش شاکی است باید معاذ که شود

آقای سید حسین - علاء السلطنه رسماً بمجلس معرفی شده من معرفی شدن و پذیرفتن او خودش موجب عزل سعد الدوله است دیگر این که وقتی اجزای رتبه يك وزارت خانه از وزیر اطمینان نداشته باشند نمیشود برای او وزارت خانه را برهم زد

حاجی معین التجار - مسئله وزارت خارجه هم است خوبست معاذ که شود .

احسن الدوله - آن روز در مجلس از سعد الدوله شکایت شد تمام و کلا از او شاکی بودند خصوصاً آن فرمایشاتی آقای حجة الاسلام فرمودند معذک عطور او را بوزارت منسوب کردند از اول نایبست بوزارت انتخاب شود .

حاجی امجد الدوله - اولاً به بنیم عزل وزیر خارجه سابق از روی قانون بود یاخیر ؟ ثانیاً به بنیم منسوب شدن وزیر خارجه ثانی از روی قانون بوده پس در این میان کسی را اختیار کنند که لایق این کار باشد و اجزای او را راضی باشند امروز ناصر الملك باحق تمام اجزای لایق این کار است .

آقای میرزا محمود - اینها تمام دسته بندی است باید در کسب و بیون تحقیق شود که جهت عزل چه بوده و باین دسته بندی ها باید گوش نهاد .

رئیس - دسته بندی غلط است ولی بعرف آنها آیا باید گوش بدهیم یا نه ؟ (اگر گفتند خیر دسته بندی و غرض است)

لسان الحکما - آنچه بنده اطلاع دارم این دسته که مخالف او بودند در این مدت خیلی خلاف ولایتی و سیاسی برای او اثبات میکنند .

وکیل الرعایا - سعد الدوله با آن حرف هائی که در دربار گفته و مطالبی که راجع بمجلس اظهار کرده همه میباید بنیاید بوزارت منسوب باشد **آقای مهدی باقر** - همین طور که گفتند نباید سعد الدوله بوزارت خارجه منسوب باشد .

رئیس - تکلیف چه شد سعد الدوله حق معاذ که داود یاخیر ؟ (همگی گفتند خیر)

حاج امین الضرب - حق معاذ که را از کسی نمی توان سلب نمود .

آقا میرزا علیقلی - آنروز که سعد الدوله

حاج امین الضرب - مجلس قبول کرد و قرار شد رسیدگی شود بجهت کار فوق العاده تاخیر شد حال هم عقیده بنده این است که اگر آقایان آن حکم را قبول دارند مجری شود و لا دربار رسیدگی کنند و قطع و فصل شود

حاج محمد قلی - استرداد اسرا باید بکامداد و ممانعتی باشد که بعد با خوانین استرآباد بگیرند بفرایند این نمیشود.

رئیس - چه زحمتی است برای دولت در این موقع که این اقدام را بکنند.

حاج محمد قلی - لافل پانصد سوار بآن ها بدهد که این کار را بکنند بفرایند از خوانین استرآباد راه دیگر ندارد.

آقای میرزا محمود - در باب اسرا و ثبوت تصویر سالار مغنم شبه گویا از برای و کلاه نباشد در این صورت پهن روی است باید او اسرا را استرداد نماید.

آقای میرزا ابوالحسن خان - اسرا رعیت ایران و اهل ایران هستند باید دولت هم در این باب اقدام بکند بلکه باید مجازات بدهد حکمی که علیه کرد اقدام نموده مجازات بدهد و مهلت بدهد تا اسرا را مسترد نماید.

رئیس - ملتفت نشدم باید از این جاده که رفته ایم برگردیم یا نه حکمی که علیه کرده است باید مجری شود با استیفاء نمایند.

وکیل الرعایا - در باب حکم علیه گانم این است که تمام اعضاء قبول نکردند که مجری شود فقط شخصی که در استیفاء او می گویند میگفت این مجازات کم است و آنچه سالار باید بکند کرد و گفتند ما این مجازات را قبول نداریم همچنین مشترکین با ایشان مجازاتشان حکم است و آنها هم استیفاء خواستند قرار شد چند نفر از علماء و کلاه حاضر شده یک مجازات مشروع معین شود و در حق آنها حکم نمایند آنچه در مجلس قرار شد این بود نه اینکه سالار در راحتی باشد و این بیچاره ها هم این قدر سرگردان باشند دور از انصاف است بعد از این آقا باید یک ضعیفی در یک گوشه بنوازند گی نماید یا نه ؟

احتشام الاطباء - آن روز که گفتگوشه گفتند مجازات قبول است ولی این حکم را ببرد حج اسلام فرمایند بعضی گفتند که حکمی در این باب از حاجی میرزا حسین سبزواری صادر شده او را بخوانند و آقایان هم استعطاق کنند و حکم صادر شود.

وکیل الرعایا - حالا آنچه لازم است باید گفته شود اول مجازات آن حبس ابدی است و ثانیاً باید پول بدهد تا اسرا را مسترد نمایند.

مبشر السلطان - استعاضای صاحبان اسرا این است که امروزه قرار استرداد اسرا داده شود و این گفتگو ما از باب مجازات اعمال آنها است بعد قراری داده شود.

آقای سید محمد جعفر - اگر میخواست کاری بکنید بقتل توقیف نیندازید سلب شئون او محل کلام نیست بجهت اینکه برای این همه کاری که کرده است باید از شئون سلب شود اگر آن قتل و سایر مطالبی که با استاد داده شده ثابت شود مجازات او بیش از اینها میشود حالا باید فکری در باب استرداد اسرا کرد.

حاجی سید آقا بابا - باید فکری برای استرداد کرد که امروز چاره اینکار بشود مجازات او حالا باشد تا هر طور که معین بشود داده شود.

حاج سید عبدالحمید شهبانی - انقدری که معلوم شد از همان اقرار اولی بنان السلطه وزیر آصف الدوله بود که گفت معزولی سالار مغنم بجهت همین اسرا بود و ثانیاً خودش در دیوانخانه اقرار کرد و سابق قرار بود که در ایران اگر کسی مجهول بود میکرد خیلی سخت گیری میکردند آنچه برده بود مسترد میشد نمیدانم حال او را چرا شکایت نمیکند

بنیم اکر الملك و ماقر الملك مستور بهم رسانیدند نره تصویر ایشان سالار مغنم باید از شئون نظمی و حکومت خلع شود.

یکسال جیره و مواجب سواری که با او بود بدو انقدیده و قتل استرداد اسرا را بنمایند چنانچه هر کدام از اینها را نمیتوانند نقد بدهد تومان صاحبان اسرا بدهد که بروند و بخرند و باید توقیف باشند تا این مراتب عمل آید.

آقای سید حسین - محل آصف الدوله و سایرین و بطی باین مطلب ندارد و هنوز آصف الدوله و بطی نشیند فروش اسرا غیر از قتل و غارت است او را نباید داخل اینها کرد فقط در این حکم مجلس اقرار کرد که کم است بجهت آن دوازده نفر که کشته شده اند و همچنین هفتاد هزار تومان اموال جبرین شود و تا حال مسامحه شده.

رئیس - مسامحه از کجا شده ؟

آقای سید حسین - فقط در مجلس قرار شد که این حکم کم است باید مجازات بیشتر باشد بجهت این موانع تعجب نشد.

حاج سید نصر الله - اینها تمام طول مقام است بعد از اینکه بمجلس آمده اند یک استیفاء خواستند حالا باید دید این لازم است یا خیر.

آقای میرزا محمود - این استیفاء را که سالار مغنم میخواست وقتی که او اقرار کرد پیش حج اسلام که من خودم اسرا را میآورم دیگر استیفاء معنی ندارد این خودش اقرار است که اسرا را باید او استرداد کند.

احتشام الاطباء - آتروز که گفتگوشه گفتند مجازات قبول است ولی این حکم را ببرد حج اسلام فرمایند بعضی گفتند که حکمی در این باب از حاجی میرزا حسین سبزواری صادر شده او را بخوانند و آقایان هم استعطاق کنند و حکم صادر شود.

وکیل الرعایا - حالا آنچه لازم است باید گفته شود اول مجازات آن حبس ابدی است و ثانیاً باید پول بدهد تا اسرا را مسترد نمایند.

مبشر السلطان - استعاضای صاحبان اسرا این است که امروزه قرار استرداد اسرا داده شود و این گفتگو ما از باب مجازات اعمال آنها است بعد قراری داده شود.

آقای سید محمد جعفر - اگر میخواست کاری بکنید بقتل توقیف نیندازید سلب شئون او محل کلام نیست بجهت اینکه برای این همه کاری که کرده است باید از شئون سلب شود اگر آن قتل و سایر مطالبی که با استاد داده شده ثابت شود مجازات او بیش از اینها میشود حالا باید فکری در باب استرداد اسرا کرد.

حاجی سید آقا بابا - باید فکری برای استرداد کرد که امروز چاره اینکار بشود مجازات او حالا باشد تا هر طور که معین بشود داده شود.

حاج سید عبدالحمید شهبانی - انقدری که معلوم شد از همان اقرار اولی بنان السلطه وزیر آصف الدوله بود که گفت معزولی سالار مغنم بجهت همین اسرا بود و ثانیاً خودش در دیوانخانه اقرار کرد و سابق قرار بود که در ایران اگر کسی مجهول بود میکرد خیلی سخت گیری میکردند آنچه برده بود مسترد میشد نمیدانم حال او را چرا شکایت نمیکند

توجهی که تاج عرض نموده

حاج سید نصر الله - استیفاء باید بشود یا خیر ؟ (جسی گفتند لازم نیست)

آقای سید محمد جعفر - اگر مجازات قبول باشد باید استیفاء شود.

بهر العلوم - این کار رجوع بعذر شد معنی اینهاست چنانچه هم از کلازا معین کردند حالا باید اجرای آن حکم را خواست.

حاج سید عبدالحمید شهبانی - ایداً - الارمض حق استیفاء ندارد و انکمی استیفاء مغل باسترداد اسرا نیست.

رئیس - باید جواب قانونی بدهد که این استیفاء لازم است یا خیر ؟

حاجی سید باقر - برای کسی که خودش اقرار بتقصیر خود کرده چه استیفاء شود ؟

آقای میرزا ابوالحسن خان - اینجا گفته میشود که استیفاء بجهت این بوده که این مجازات کم بوده و استیفاء بجهت آن نبوده که این حکم عدلیه صحیح بوده یا نه پس حالیه همین حکم عدلیه را مجری دارید.

حاجی سید نصر الله - قدر متیقن سالار مغنم مگر است حالا می گویند که خودش حاضر است بجهت استرداد والا یک مجازات سخت در حق او بعمل آید ولی هرگاه متقبل شده که اسرا را مسترد دارد باید مجلس یک تخفیفی در مجازات بدهد و اما در باب سایرین آن روز مجلس گفتند که محل نظر است هر کدام نسبت بتقصیرشان باید مجازات شوند حال نمی دانم مجلس میگوید استیفاء می خواهد یا نه ؟

آقا میرزا فضلعلی آقا - خداوند می فرماید و لکن فی القصاص حیات مجازات و قصاص باشد راحتی و آسایش است اول مجازات سالار استرداد اسراست اگر سالار قبول می نماید و اطمینان می دهد برود اسرا را استرداد کند.

وکیل الرعایا - قرار شد که بعد از استرداد اسرا و جزای نقدی در حضور حج اسلام استیفاء شده حکم آخری که مجازات قتل باشد درباره او داده شود.

آقای میرزا محمود - یکی از مجازات که معین شده بود عزل او بود یا این که او سه سال بود معزول بوده و دیگر آن که دوازده نفر را کشت باید بیه آن هارا بوردن شان بدهد این هم معین نشده است نوشته و خط و مهر او پیش تر کلمات موجود است آنها را دعوت کرده آمدند اینکار را نمودند.

حاج سید نصر الله - بطوریکه یقین حاصل کنیم که این عمل از او صادر می شود لازم است که این مسئله داخلو بیندازیم بعد از آنکه از همه بر آمد البته ملت هم یک نظری درباره او خواهد کرد و همچنین و کلازا مجلس.

آقای شهبانی باقر - اینکه سالار بعضی را واسطه نمود که مرا مرخص کنی بروم اسرا را استرداد کنم شاید بخواهد برود آن وقت دولت و ملت دوچار زحمت بشوند اگر راست می گویند به برادر و کسانش بنویسد که بیست روز یا یک ماهه اسرا را استرداد کنند والا رفتن خود او صلاح نیست.

حاجی امام جمعه - دو عرض دارم یکی

باین حکم دیوانخانه راضی میشود بطور قطعی شرطیه است که هرگاه اسرا را استرداد کند و الا راضی نخواهد شد و آتروز هم گفتند که این مقدار مجازات در مقابل آن تصصیرات کم است و حالا دو سال است که گفتگوی این مطلب است امروز بهر طور است باید ختم شود.

حاجی محمد اسمعیل آقا - عقیده بنده این است آن مجازاتی را که دیوانخانه معین کرده یکدفعه دیگر در مجلس خوانده شود و فور رسی شود اگر صحیح بود که مجری شود والا مجازات دیگر معین شود.

آقای میرزا ابوالحسن خان - عقیده بنده این است که امروز نباید در باب مجازات گفتگو شود امروز باید استرداد اسرا را خواست.

معمار باشی - این مجازاتی که از برای او معین کردند که شئون او را سلب نمایند و شئون او نداشت اما این پولی هم که قرار شده است بدهد مال خود ملت است حالا بهر طوریکه میدانند باید این اسرا را استرداد نمایند بمعناوت خوانین استرآباد.

رئیس - راضی معین است.

آقای میرزا ابوالحسن خان - ما چه کار داریم که او از چه راهی باید استرداد نماید خودش میدانند شاید خوانین استرآباد بگویند بعد هزار تومان واد بگویند من بده هزار تومان استرداد میکنم ما اسرا را میخواستیم.

رئیس - پس باید تا آخر ماه رمضان استرداد اسرا را مجلس بخواهد.

حاج امام جمعه - از چه راه باید مجلس از وزارت داخله بخواهد تاخیر.

آقای میرزا ابوالحسن خان - این را هم مجلس باید معین کند که تا آخر رمضان اسرا را استرداد نشدند آنوقت باید مجازات شوند.

حاج مجد الدوله - اینکه گفتند این معاکمه استیفاء شود برای این بود که آن مجازات را کم میدانستند مجازات او موجب شرع قتل است حالا هم اگر تا یک ماه نتوانست اسرا را استرداد کند قتل او باید همان مجازات مجری شود.

آقای سید حسن قلی زاده - عایت نقی داریم و آن این است که وزارت خانه نداریم وزیر داریم و این ترتیب باعث میشود که هر کاری راجع بیک وزیر میشود چندی نمیکند آن وزیر معزول میشود وزیر جدید میگوید من اطلاع ندارم این مطلب استرداد اسرا در مقام قبل راجع بوزارت داخله شد و اینها بواسطه نداشتن چیزی بر جز گذران میکنند خودش اینجا بکمسیون و کلازا گفته بود که من قرار دادم باین استر داد اسرا گذاشته ام حالا سه ماه گذشته است نمیدانم چه اقدامی شده است اینکه گفته شد تا آخر ماه رمضان ما نمی توانیم مطمئن شویم تا آنوقت این وزیر داخله وزیر داخله باشد شاید وزیر دیگری آمد آنوقت خواهد گفت که من خبر ندارم باز یک روز ما جمع شده بوزارت داخله رجوع می کنیم.

آقای میرزا ابوالحسن خان - البته وزیر تغییر می کند ولی باید وزارت خانه باشد ما کار بتغییر

آقای سید حسن قلی زاده - مجلس اگر

باین حکم دیوانخانه راضی میشود بطور قطعی شرطیه است که هرگاه اسرا را استرداد کند و الا راضی نخواهد شد و آتروز هم گفتند که این مقدار مجازات در مقابل آن تصصیرات کم است و حالا دو سال است که گفتگوی این مطلب است امروز بهر طور است باید ختم شود.

حاجی محمد اسمعیل آقا - عقیده بنده این است آن مجازاتی را که دیوانخانه معین کرده یکدفعه دیگر در مجلس خوانده شود و فور رسی شود اگر صحیح بود که مجری شود والا مجازات دیگر معین شود.

آقای میرزا ابوالحسن خان - عقیده بنده این است که امروز نباید در باب مجازات گفتگو شود امروز باید استرداد اسرا را خواست.

معمار باشی - این مجازاتی که از برای او معین کردند که شئون او را سلب نمایند و شئون او نداشت اما این پولی هم که قرار شده است بدهد مال خود ملت است حالا بهر طوریکه میدانند باید این اسرا را استرداد نمایند بمعناوت خوانین استرآباد.

رئیس - راضی معین است.

آقای میرزا ابوالحسن خان - ما چه کار داریم که او از چه راهی باید استرداد نماید خودش میدانند شاید خوانین استرآباد بگویند بعد هزار تومان واد بگویند من بده هزار تومان استرداد میکنم ما اسرا را میخواستیم.

رئیس - پس باید تا آخر ماه رمضان استرداد اسرا را مجلس بخواهد.

حاج امام جمعه - از چه راه باید مجلس از وزارت داخله بخواهد تاخیر.

آقای میرزا ابوالحسن خان - این را هم مجلس باید معین کند که تا آخر رمضان اسرا را استرداد نشدند آنوقت باید مجازات شوند.

حاج مجد الدوله - اینکه گفتند این معاکمه استیفاء شود برای این بود که آن مجازات را کم میدانستند مجازات او موجب شرع قتل است حالا هم اگر تا یک ماه نتوانست اسرا را استرداد کند قتل او باید همان مجازات مجری شود.

آقای سید حسن قلی زاده - عایت نقی داریم و آن این است که وزارت خانه نداریم وزیر داریم و این ترتیب باعث میشود که هر کاری راجع بیک وزیر میشود چندی نمیکند آن وزیر معزول میشود وزیر جدید میگوید من اطلاع ندارم این مطلب استرداد اسرا در مقام قبل راجع بوزارت داخله شد و اینها بواسطه نداشتن چیزی بر جز گذران میکنند خودش اینجا بکمسیون و کلازا گفته بود که من قرار دادم باین استر داد اسرا گذاشته ام حالا سه ماه گذشته است نمیدانم چه اقدامی شده است اینکه گفته شد تا آخر ماه رمضان ما نمی توانیم مطمئن شویم تا آنوقت این وزیر داخله وزیر داخله باشد شاید وزیر دیگری آمد آنوقت خواهد گفت که من خبر ندارم باز یک روز ما جمع شده بوزارت داخله رجوع می کنیم.

آقای میرزا ابوالحسن خان - البته وزیر تغییر می کند ولی باید وزارت خانه باشد ما کار بتغییر

آقای سید حسن قلی زاده - مجلس اگر

وزیر نداریم باید وزارت خانه اصلاح کند.

آقای میرزا فضلعلی آقا - اگر سالار مغنم امروز بمیرد آقا مجلس از اسرا دست بر میدارد اگر اینطور است باید طوری باشد که از اموال او استرداد شود.

حاج سید نصر الله - البته ازال اومی گیرند

آقای میرزا فضلعلی - حرف همین است که باید از دولت خواست که اگر او نباشد از اموال او استرداد شود.

آقای سید حسین - باید این اسرا را واد بگویند یک مبلغی هم معین شده بود که سالار مغنم باین صاحبان اسرا بدهد حال مدتی است که نمیدهند خوب است حکم شود که تا اسرا استرداد نشود این پول را بآنها بدهد.

رئیس - مطلب دوتا است یکی اینکه بوزارت داخله نوشته شود که اسرا را تا فرغ شوال استرداد کند و دیگر اینکه مغایر این اشخاص را بدهد تا آمدن اسرا و هدر هم در این باب پذیرفته نمی شود دیگر مطلب ختم است (در این هنگام جناب مستطاب آقای حاجی سید موسی که یکی از علمای بزرگ است بمجلس ورود کرده پس از تبریک اظهار همراهی و مساعدت خود را اظهار داشتند و کلا صوما و جناب رئیس خصوصاً از این قبیل علماء خیر خواها اظهار امتنان و تشکر نمودند.)

آقای میرزا ابوالحسن خان - دیروز قرار شد که از بابت مالیه گفتگو شود.

رئیس - چون کمسیون مالیه مشغول کارند دیگر لازم نیست در این مجلس مذاکره شود انشاء الله بعد از چند روز نتیجه معلوم می شود.

محقق الدوله - حاج میرزا بابا کرمانی بموجب استادی که در دست دارد هشت هزار تومان ادعای طلب از شرکت عمومی میکند و حالا مستاصل شده اگر صلاح میدانید عیالاً لا اقل پانصد تومان باو داده شود که گذران نماید تا بعد قراری در کار شرکت عمومی داده شود (هریضه شرکای شرکت عمومی قرائت شد قریب باین مضمون چند نفری از انی ما را با هم شرکت عمومی خودند توقیف املاک ملک التجار را چه فائده خواهد بود منافع راه است را امروز بکس کی میرود ما هم همه متروضیم میرویم در سدرت روس پولوی ملک التجاری نشینیم مال مردم را می دهیم شما می خواهید بانک تشکیل کنید باین وضع کی پول بیانک میدهد اگر رسیدگی نشود ما به جا اعلان خواهیم کرد که ملت و دولت رسیدگی نکردند و احقاق حق ما را ننمودند از هفده نفر موسسین نتوانستند پول ما را بگیرند.

رئیس - مقصود این است که تکلیف این بیچاره ها چیست ؟

آقای میرزا فضلعلی آقا - شکایت آنها از موسسین است یا آنها از ملک التجار است.

وکیل الرعایا - آنها از دست هفده نفر متظلمند و احقاق حق می خواهند باید مجلس توجه مخصوصی بنماید.

رئیس - معلوم نیست که تقصیر تمام این هفده نفر است یا با ملک التجار است (گفتند تمام با ملک است).

حاجی سید باقر - آن روز که مردم پول میدادند باطمینان این هفده نفر دادند.

که ملک التجار بیرون بیاید بمغایر هفت حاضر شده جواب مردم را بدهند .

رئیس - آیا میشود قبول کرد که تنها ملک بکطرف این هفده نفر بکطرف و تصیر تمام کردن ملک باشد .

محقق الدوله - بطوریکه در کمیسیون تعقیق شد تمام کارهای شرکت عمومی بامراو بوده است .

آقامیرزا حسن - وقتی فیوضات شرکت عمومی را بکمران آوردند مهود بود بهر هفده نفر مردم میدانستند که ملک مرد شارلاتانی استولی باطمینان آن هفده نفر دادند .

حاج امین الضرب - چند وقت در مجلس در این باب گفتگو شد آنچه در این باب حکم شده بخواهید و بخواهید .

آقامیرزا محمود - آنچه در کمیسیون گفتگو و تحقیق شد در باب راه آستارا بود از بابت سایر ترتیبات گفتگو نشد .

ادیب التجار - گفتگو در مجلس از بابت شرکت عمومی فقط در باب راه آستارا بود که جمعی از مشترکین بالا مدعی بودند و مجلس هم حکمی که داد در همین باب بود .

حاجی سیل محمد - صحیح است شرکت با هفده نفر بوده ولی در نظامنامه داشته است که تمام امورات شرکت در هر هفته بکمرته با اطلاع این هفده نفر برسد اما ملک التجار باین ترتیب رفتار نکرد و علاوه این هفده نفر آنچه لازمه مجاهدت بود بجا آوردند و تصیرات او را ثابت کردند حال مجازات او را نداده اند بطی به هفده نفر ندارد .

آقامیرزا ابوالحسن خان - آنوقت هم بنده دربانک بودم شرکت با هفده نفر بود این را هم نمیشود گفت که تنها حاج ملک مقصر است صرف نظر از این عرایض باید اینها در عدلیه آمده معین نمایند که تصیر تمام با ملک است تا از آنها صرف نظر شود یا بامه است ، اما اینکه نوشته اند در عمل بانک ملی اغلا خواهد نمود این مطلب هم از آنها مسبوع نیست در این موقع آنها هم باید کمال همراهی را بنمایند .

آقاشیخ ابراهیم - اگر بخواهید باین ترتیب کار را تمام بکنید مشکل است اول حاج ملک التجار را بیرون بیاورید بعد تعقیقات بشود .

وزیر تجارت - عقیده بنده هم این است که اول ملک التجار را بیرون بیاورید بعد تعقیقات شده معلوم شود اگر مال اینها بیش این هفده نفر است بدهند و اگر این هفده نفر مال دیگران را خورده اند و ملک مال اینها را خورده باید از او گرفت و باینها رد کرد .

وکیل الرعایا - چندانی هم لزوم بحضور حاجی ملک نیست او بکفتر است این شانزده نفر بنشینند بحساب رسیدگی شود بهیچیکه تمام بر هفده ملک است با سایرین هم بهمکار هستند .

حاجی سیل محمد - تا راه آستارا و وجه

بود بنگر لا آنها خود بدهد هضم .

آقامیرزا محمود اصفهانی هر چه گفتگو میشود خارج از موضوع است این عمل شرکت هر کس پول داده ضمانت این هفده نفر داده است اینها هم دفتر دارند باید بحسابات خودشان رسیدگی کرده بیای هر کس هست بدهد .

آقامیرزا محمود خواساری - از اول گفتگو شد که حاجی ملک راه بسایرین نداد و حال آنکه در آن کمیسیون که بکار ملک رسیدگی میشد وکیل مؤسسن میگفت تا وقتی که حاج سید محمد مدیر بوده بسوجب نظامنامه رفتار شده و حرفشان این است که بعد از آن رفتار نشده و گفته اند این این مسئله شرکت است هر گاه یک نفر از این شرکت را مرحوم بشد تکلیف چه بولاید باید بحسابات رسیدگی شود و مردم آسوده شوند .

حاج امام جمعه - در این مطلب بنده در آن کمیسیون یک چند روزی رفتن مسبوق شدم اول اینکه مجلس نباید مداخله در اینگونه امور میکند باید مشغول کار خود باشد اگر هم بنشاند داخل بشود باید از راضی داخل شود و راضی این است که یک کمیسیون از چند نفر از وکلا و چند نفر از عدلیه باید محاسبات را از روی دفتر رسیدگی نمایند تا بدین ترتیب رفتار نشود کار درست نمیشود . در این ایام یکی از سلساس بمن نوشته که هست و نیست پدر من هزار تومان بوده و در شرکت عمومی است اگر نرسد هیچ نداریم .

حاجی سید پافر - من گمانم این است که او مشغول هفده نفر است و هفده نفر مشغول اینها هستند باید رسیدگی کنند در زمان همین الدوله رسیدگی شده تصیر دفتر مدتی در این کار بوداگر مجلس صلاح بداند او را بخواهد مطلب واضح می شود .

رئیس - اولاً باید بدانیم که آنطوریکه حاج امام جمعه گفتند این کار مجلس هست یا خیر ؟
آقای سید حسین - مجلس باید رسیدگی نماید
آقامیرزا ابوالحسن خان - بعقیده بنده این مجلس نمیتواند باین کار رسیدگی نماید زیرا که شعبات زیاد دارد باید فهمید این بلیط ها با بطور شرکت است یا امانت همانطور که گفتند باید این هفده نفر حاضر شده بحساب رسیدگی نمایند مگر مجلس بخواهد بطور فوق العاده کمیسیونی ترتیب بدهد و رسیدگی شود .

حاج محمدعلی آقا - این متظلم بعنوان شرکت تنظیم نموده یا بعنوان شرکاء باید یکی از آن اوراق را بخواهند تا معلوم شود .

محقق الدوله - موقع موقع باریکی است باید رسیدگی کرد در حضور وزیر تجارت هر طور است این کار را تمام کنید .

وکیل الرعایا - این کار شرکت است و عمومی است باید مجلس رسیدگی نماید .

آقامیرزا فضلعلی آقا - مجلس هیچ وقت نباید در این کارها رسیدگی نماید باید اقدام کند تا تمام شود .

حاجی سید محمد - در این باب رسیدگی کرد و معلوم شد که راه آستارا بنظر اجاره داده شده است تا برنگردد این شانزده نفر حاضر نمیشوند عمل تمام شود باید راه آستارا بر گردد .

آقا ملا حسن وارث - آنها یک ورقه چاپ کردند این مردم بیچاره هم بحسن ظنی که داشتند بهر های اینها پول دادند حالا حاجی علی آقا می خواهند کار را بر گردانند بشرع البته در این نوع حقوق این بیچاره ها از میان خواهد رفت .

بحر العلوم کرمانی - وقتی که این شرکت شد راه آستارا در بین نبود مردم باطمینان این هفده نفر پول دادند حال ملک التجار باین شرکت بد رفتاری کرد بطی باین مردم ندارد راه آستارا بد پیدا شده باید اول بحساب اینها رسیدگی شود .

آقاشیخ حسین - آنچه در این باب گفتگو شود راجع خواهد شد بآنچه که آقا میرزا محمود گفت باید دفترهای آنها را حاضر نمود و بحساب آنها رسیدگی کرد پیش هر کس هست گرفته مسترد شود .

حاج امین الضرب - مادامیکه بین شرکت تا بین است این کار فیصل نخواهد گرفت این شرکتی است مابین هفده نفر شده در نفع و ضرر شرکت هستند همانطور که آقا میرزا محمود گفت باید دفترها را حاضر گرد رسیدگی نمود تا معلوم شود که نفع و ضرر آنها چقدر است پس از روشن شدن حساب معلوم خواهد شد که آنها در راه آستارا حق دارند یا خیر اگر حق دارند خواهند گرفت اینکه حاجی سید محمد میگوید که تاراه آستارا بر نگردد شرکاء حاضر نمیشوند بعقیده بنده این حرف صحیح نیست .

محقق الدوله - عرض بنده در این است که عنوان مجلس امروز در باب شرکت در چه خصوص بود .

رئیس - چون متظلم شده بودند صاحبان سهام که از این هفده نفر احقاق حق مایشود .

محقق الدوله - از برای اینکه کمیسیونی تشکیل شود این هفده نفر احضار شوند بانظار و وزیر تجارت رسیدگی شود مجلس اجازه میدهد (گفتند نمیشود)

محقق الدوله - مقصود این است که خارج از موضوع حرف نزنند آیا توجه خواهید کرد در این باب تا معلوم شده آنوقت ترتیب آنرا قرار بدهید یا خیر .

آقای سید حسین - پس خوبست بر گردیم باول امر بیینیم این کار راجع بکدام وزارتخانه است که از طرف مجلس رجوع شود .

حاج سید نصر الله - از اولی که مطلب شرکت بمجلس رسید همه گفتند این کار با مجلس نیست باید شاه دستغلی فرمود گفتند حالا که شاه دستخط فرموده مجلس فوق العاده باید مداخله نماید بعد رسیدگی کردند دیدند راه آستارا را ملک بر خطا اجاره داده است حالا من نیکیوم مسئله شرکت عمومی مهم نیست خیلی مهم است ولی میگویم این کاری که حق عدلیه است رجوع بخود او نمائید نه اینکه مدتی مجلس وقت خودش را صرف نماید و نتیجه نداشته باشد حکمی که مجلس در باب راه آستارا کرد چه شد پس برای چه مجلس در اینکار مداخله نمایند .

حاجی محمد اسماعیل آقا - بنده عرض می کنم که این مؤسسه حال دو سال است نیابت از جانب هرگاه و اساتذ از جانب خودشان اقدام دارند و چه می کنند و رسیدگی هم شد که راه آتارا را بنظر و خطا ملک اجاره داده است و فقط کاری که برای آنها فائده دارد همان راه آتارا است که باید برگردد.

وکیل الرعایا - مؤسسه میگویند یکمده و پنجاه هزار تومان گرفته و در راه خرج کرد و باقی را از خود راه بیرون آورده و خرج کرده تا تمام شده است در اینخصوص خیلی گفتگو بین آنهاست و ربطی باین کار ندارد.

رئیس - باید کار را تمام کرد آیا یکدم وزارتخانه رجوع شود یا اینکه مجلس باین مکار مداخله بکند یا خیر؟ (اکثر گفتند خیر)

رئیس - بدلیه رجوع شود یا بوزارتخانه دیگر (اکثر گفتند بدلیه)

رئیس - آیا مأموری از طرف مجلس لازم است یا خیر که ناظر باشد. (اکثر گفتند باید از طرف مجلس ناظری باشد.)

حاج میرزا علی آقا - قبل از اینکه این مطلب بدلیه رجوع شود باید یک کاری کرد و آن این است که آنچه مردم از این هفده نفر طلب دارند داده شود بعد بروند در بدلیه دعوای خودشان را باملاک تمام کنند.

وکیل التجار - گفته شد که مجلس حکم نموده راه آتارا برگردد یکی از اهل کمیسیون بنده بودم مجلس تصویب و تصدیق کرد که راه آتارا را بدون تصویب مؤسسه ملک اجاره داده است غیر از این مجلس حکمی نداده است که در عهده تعطیل بماند و در حساب هم باید رسیدگی شود.

رئیس - بعد از رجوع بدلیه آیا باید مجلس از طرف کسی نظارت داشته باشد یا نه؟ (اکثر گفتند باید نظارت داشته باشد) (عمل ملک التجار با شرکاء رجوع بدلیه شد و قرار شد چند نفر از وکلا برای نظارت معین شوند.)

حاج سید ابراهیم - من کرمانشاهی‌ام هم بعد از گذشت وجهی بآنها داده شد و قرار شد حامی سبب الدوله برود آنجا تا عمل ختم شود. (مجلس ختم شد)

مذاکرات روز سه شنبه ۲۹ شعبان

دارالشورای ملی

خلاصه مذاکرات روز یکشنبه ۲۷ را آقا میرزا ظاهر قرائت کردند

رئیس - این قانون مطبوعات است که جناب معتمد السلطنت و در زمان وزارت خود نوشته و مجلس فرستاده اند فعلا دفعه اول قرائت شود

(گفتند یکدفعه خوانده شده)

آقای میرزا ظاهر - او غیر از این بود فقط برای روزنامه‌هاست.

آقای شیخ موسف - دو ماده از قانون وزارت مطبوعات مانده است باقی تمام شده

و مصطلحی برای همین دو ماده است خوب است قرائت و اصلاح شود.

رئیس - بلی آندو ماده باید در حضور هیچ اسلام قرائت و تنقیح شود فعلا قدری از این قانون مطبوعات خوانده شود

(شروع قرائت قانون شد و ختم گردید)

حاج سید نصرالله - این نسخه باید چاپ شود.

اسدالله میرزا - اول در کمیسیون تنقیح شود بعد چاپ شود.

رئیس - رای مجلس چیست؟

(بعضی گفتند اول در کمیسیون تنقیح شود بعد چاپ شود)

وکیل التجار - چون راجع بشرع نیست خوب است بدو در کمیسیون تنقیح شده با قوانین سایر ممالک تطبیق شده بعد چاپ گردد.

آقای سید حسین - معنی اینکه زود تر تمام شود اشخاصی که برای آن کمیسیون لازمند زود حالا انتخاب شوند.

آذیب - اهل کمیسیون هم از اعضای همین مجلس خواهند بود خوب است بطبع رسد تقسیم کنند بعد اشخاصی که باید در کمیسیون باشند معین شوند.

احسن الدوله - بهتر همان است که اول کمیسیون منعقد شده بعد چاپ شود

حسنعلی خان - اینکه گفته شد با سایر قوانین تطبیق شود این نظامنامه ترجمه از قوانین فرانسه است و آن ملک جمهوری است و بهتر از آن نباشد.

صادق حضرت - من هم تصدیق حسنعلی خان را میکنم از کجا از کمیسیون چیز صعبی بیرون می آید.

آقای شیخ حسین - عقیده بنده اینست که اهمیت این نظامنامه خیلی زیاد است کمیونی از علماء و وکلا تشکیل شده تنقیح شود.

وکیل التجار - همانطور که گفته شد این نظامنامه ترجمه از قانون مملکت آزاد است شاید متضمن چیزی باشد که بحال حال ما مضر باشد پس خواست در کمیسیون تنقیح بشود.

محقق الدوله - پس خواست رای گرفته شود که اول چاپ شود یا برود در کمیسیون.

حاج سید سعیدالحسن شهشانی - مقصود اینست که غلطی اصلاح شود اما همینکه بکمیسیون نرفته چاپ شود همین اغلاط در افغان خواهد افتاد و اخراجش مشکل خواهد بود.

صادق حضرت - ما یک ترتیبی از برای مجلس داریم که هر قانونیکه بمجلس آمد باید یکدفعه بدون مباحثه قرائت شود آیا در آنجا قیدم شده که بکمیسیون برود گذشته از آن لایذیر کمیسیون بعضی تغییرات داده میشود که عموم و کلا راضی نیستند و ترتیب اول هم که از دست رفته نتیجه حاصل نمی شود.

اسدالله میرزا - اینکه گفته میشود که تغییر داده میشود البته بیاره ملاحظات تغییرات داده می شود و بعد از آن باید اعضای کمیسیون علت تغییر را در مجلس بگویند که این مادا اول اینطور بود و بعد بلا حلاصه اینطور شد.

حاج سید نصرالله - با این ترتیب اعضای کمیسیون در مطالب مسبقند و سایرین خالی الذهنند و میشود که آنها را سایرین غالب شوند بهتر این است بدو چاپ شود بعد برود در کمیسیون.

صنع الدوله - اسدالله میرزا فائده کمیسیون را گفتند در فائده کمیسیون اشکالی نیست ولی قرار اینست در همه جا که قانون اول بمجلس می آید بعد منتشر میشود پس از آن بکمیسیون میرود که اذهان عموم و کلام مسبق باشد.

اسدالله میرزا - پس معلوم شد که انتشار با کمیسیون منافات ندارد حالا کمیسیون هم معین بشود منتشر هم شود.

وکیل التجار - پیش از این طول نباید بکشد معنی تسهیل گفته شد که بدو کمیسیون منعقد شده حالا که این طور میگویند اول منتشر شود بعد کمیسیون شود.

اسدالله میرزا - تکلیف معلوم شد که کمیسیون هم باید بشود.

وکیل التجار - برای ناخوشی در ممالک روسیه دولت عثمانی فرانطین گذاشته است خوب است اعلان شود که حجاج از آنطرف نروند که اسباب اشکال از برای آنها خواهد شد و بمقصود نرسند.

آقای میرزا محسن - اول باید از وزارت خارجه تحقیق کرد بعد تحقیق نمیشود.

محقق الدوله - اگر صلاح میدانید از وزارت خارجه تحقیق شود.

رئیس - اینکه گفته شد که اسباب زحمت زیاد میشود ممکن نیست زیرا که قرانطین مطابق قوانین بین الدول گذاشته می شود و تغطی از آنها هم نخواهند کرد.

وکیل التجار - چون اختیار در دست صاحب مملکت است بعقل اسباب زحمت شود. (گفتند نمی شود.)

آقای سید حسین - قرار شده بود که جناب معتمد السلطنت برای مأموریت سرحدی آنچه لازم دارند بنویسند تا فراهم شود.

حاج معتمد السلطنت - روز شنبه صورت آن را بوزارت خارجه فرستادم او باید عرض شارسانده بفرستد و معنی این که تأخیر نیفتد بآقای احتشام السلطنت هم اطلاع داده شد حالا آمده ام بعضی اینست که حضور و کلا آذربایجان بعضی مطالب اظهار شود که آنها مسبقند.

آقای میرزا ابوالحسن خان - هیئت مجلس منحصر بوکلا آذربایجان نیست یک مطلب مهمی را بواسطه نبودن آنها نباید تأخیر انداخت.

رئیس - صبیح است ولی چون آنها از ترتیب آنجا با اطلاع از این جهت بعضی آنها اهمیت گذاشته میشود.

آقای میرزا ابوالحسن خان - عقیده خود را میگویم که نباید تأخیر انداخت (تعلیق از طرف حجة الاسلام آقای آخوند ملا محمد کاظم مدظله العالی بعنوان آقای آقا شیخ عبدالکریم وکیل برد رسیده بود بعضی اهمیت مقام حضرت حجة الاسلام قرائت شد شمر بر مراتب مساعدت و همراهی ایشان با اساس مقدس مشروطیت و توسعه در باب یک نفر شخصی که بنیست قائل بر پروپاگاندای پادری بودن مبتلا شده است که موقع